داستان‌های داوطلبانه

عارفان بی‌نقش‌پا، رد می‌شوند

سعید اصغرزاده

امروز متوجه شدم که مناسباتی را طی روزهای گذشته از دست داده‌ام. یا از دست داده‌ایم. یک مـوردش مربوط می‌شـد به ۷سال پیش در همین روزها.

در چنیـن روزهایی در سـال ۸۶ ناگهان فشـارخون احمد عزیزی بالا رفت و مشکل بینایی پیـدا کرد، تا مشـکل واقعـی او را تشخیص دادند و بستری‌اش کردند به کما رفت و دچار ضایعه مغزی شد.

دیدم شاید لازم نباشد از احمد و شعرش بگویم اما لازم است که از خواهر او بنویسم. خواهری که داوطلبانه ۷ سـال اسـت از او پرستاری می‌کند.

امثـال ایـن خواهـران در خانواده‌های ایرانی چه بسـیار اسـت. خواهران و اقوامی که از جان و مـال خود می‌گذرند و بی‌آن‌که کسی از آنان انتظار داشته باشد، داوطلبانه به پرستاری و ایثار جان خود می‌پردازند.

خبرنـگاری نوشـته بـود: در همـه این ۷ سـال، حال عمومی احمد را از پرسـتار همیشـگی‌اش پرسـیدم، پرسـتاری کـه ۷ سـال اسـت هروقـت زنـگ زدم گفت، احمد اینجاسـت و می‌خندد. زینب عزیزی خواهر احمد در همه این ۷ سـال پرسـتار او بود، پرسـتاری کـه همیشـه می‌گوید، حـال عمومی احمـد خوب اسـت، ضربان قلب و فشـارخونش نرمال اسـت، سـطح هوشـیاری‌اش هم بهتر شـده فقط مشکل تنگی تراشـه دارد و برای خبرهایمان تیتر می‌سـازد که «حـال احمد عزیـزی خوب است».

خواهری که با هزینه‌هـای چند میلیونی درمان در هر ماه سـاخت، یـا نبود دفترچه بیمه، خواهری که ۷ سـال این نمـی‌گذارد احمد زخم‌بسـتر بگیرد، خواهری که حتی تلاش کرد احمـد را به خارج ببرد و نشـد، چون از دسـت خارجی‌ها هم برای شـاعر یاس و احسـاس ما کاری نمی‌آید.

یاد جنابـاز شـهیدمحمدتقی طاهرزاده افتـادم. همـان جنابـاز اصفهانـی که در ۱۷ سـالگی جنابـاز شـد و ۱۸سـال در کما بـود و پـدرش از او نگهـداری می‌کـرد و سرانجام در ۳۵ سـالگی به شهادت رسید... سـال‌ها پیش (۱۳۸۳) برای دیدار آیت‌الله طاهری‌اصفهانی به اصفهان رفته بودم، مثل همیشه نصیحتی کرد.

حاصـل نصیحـت‌اش دیـدارم بـود از خانه یـک جانباز و دیدار با پـدری که تمام عمـرش را خلاصه کرده بود در پرسـتاری از محمدتقی. پدر دسـتم را گرفت و مرا به تخت محمدتقی نزدیک کرد. بوی بهشـت را استشمام می‌کردم، شـاید روحانی‌ترین لحظه عمـرم را داشـتم حـس می‌کردم. انگار گوش‌هایم پر آواز شـدند و چشـمانم پـر از حسـرت، انگار نـزول رحمـت بود، انگار دریچه‌ای بود گشـوده شـده به روی زمینیان... محمدتقی یکسـال بعد، پس از ۱۸سال زندگی نباتی به شهادت رسید.

حالا نـه از آیت‌الله خبـری اسـت، نه از محمدتقی و نـه از پدر. پدر جانباز شـهید محمدتقی، هوشـنگ طاهرزاده اصفهانی ۲ هفته بعد از فوت آقای طاهری، پس از عمل جراحی تومور نخاع گردن دچار تنگی‌نفس شـد و در ۶۴ سـالگی دارفانی را وداع گفت و به دیدار فرزند شـهیدش شـتافت. پیش خـودم می‌گویم، کم نیسـتند افـرادی که خود را داوطلبانه وقف دیگران می‌کنند. کم نیستند افرادی که الگوی رفتار داوطلبی ما می‌توانند باشند.

کـم نیسـتند آنهایـی که لحظـه لحظه عمرشـان پـر از داسـتان‌ها و خاطره‌های داوطلبانه اسـت. چرا زندگی آنهـا را مرور نمی‌کنیم؟ چرا؟

می‌خواهم به نوشـتن ادامه بدهم. اما یاد شـعری از احمـد می‌افتم کـه در تحریریه روزنامـه سـلام می‌خواند. آن‌هم سـال‌ها پیشتر. شاید اواخر سـال ۶۹ بود. اوایل کار روزنامه سلام، احمد روی میز ضرب گرفته بود... امروز نوشـتن چه جانـی می‌گیرد از من!

دین زاهد در فشـار قبرهاسـت
دین عارف روی سـقف ابرهاسـت
جسـم زاهد دسـتمالی از نظیف
روح عارف، پشـه بندی از لطیف
زاهـدان غرقنـد زیـر اجرهـا
عارفـان ابرنـد در والفجرهـا
زاهدان از جنس هـای بنجل اند
عارفان از شـهیدهای سـرگل اند
زاهـدان خشـک انـد در آوازها
عارفـان تر می شـوند از سـازها
چشم زاهد خیره بر انگشتری ست
روح عارف در اشـتری مشتری ست
جسم زاهد سنگ چین دره هاسـت
خاک عارف وعده گاه بره هاسـت
زاهدان بر راه ها سـد می شـوند
عارفان بی نقش پا رد می شـوند

داوطلبـان، زندگی‌بخـش سـازمان‌های غیرانتفاعی هستند و این سازمان‌ها می‌توانند با استفاده از پیامک انبوه افراد داوطلب بیشتری را با خود همراه کنند.

همـه چیـز بـرای سـازمان‌های غیرانتفاعی محدود اسـت، اما این افراد داوطلب هستند که انرژی، زمان و گوش‌هایشان را به این سـازمان‌ها هدیه می‌دهند. آنها قادر هستند با بودجه‌ای کنار آیند که نمی‌توانـد کارها را به انجام برسـاند. در کنار کار رایگان، داوطلبان اغلب وقت خود را وقف کار می‌کنند و شـاهد و دلیلی هسـتند که به کمک آنها خبـر سـازمان غیرانتفاعی شـما به گوش دیگران رسانده می‌شود.

شما نیازمند آن هسـتید که این افراد داوطلب را برای انجام امور چنین سـازمان‌هایی دعوت به همکاری و فراخوانی ابلاغ کنید. به همین منظور بازاریابی پیامکی بار دیگر به سـراغ شما خواهد آمد. یکی از کانال‌های ارتباطی مناسـب پیامک انبوه اسـت، چرا که دارای مزایای بسیاری است: بازاریابی پیامکی سـریع بوده و نیازمند اینترنت نیست و پیام شما قطعا خوانده می‌شود.

در اینجـا بـه ۴ شـیوه بـرای بکارگیـری کمپین‌هـای پیامکـی توسـط سـازمان‌های غیرانتفاعی اشاره خواهد شد:

لیستی از داوطلبان بالقوه تهیه کنید

لیست از شـماره تماس افرادی تهیه کنید که تمایل به همـکاری داوطلبانه دارنـد. پیامکی با این عنـوان «کلمه داوطلب را به شـماره ***** ارسال نمایید تا با ما همکاری کنید». این پیامک را بـرای مخاطبان خود ارسـال کنیـد تا هنگام احتیاج از افرادی که پیشـتر تمایل خود را برای همکاری ابراز کرده بودند، کمک بگیرید. به‌دلیل آن که میزان واکنش‌ها به پیامک‌های انبوه بسیار زیاد اسـت، به شـما این اطمینان را خواهیم داد که بـا ایـن روش کمک‌هـای زیـادی دریافت خواهید کرد.

۴ روش برای جذب نیروی داوطلب به کمک اس‌ام‌اس

پیامک انبوه سازمان‌های غیرانتفاعی

داوطلبان خود را دسته‌بندی کنید

به عنوان یک فرد داوطلب با موضوع همیشه ناخوشـایند خواهد بود که کلیه امور مورد نیاز از حیطه مهارت‌هـای شـما خارج باشد. فرد تمایل دارد تـا در فعالیتی کمک‌رسـانی کنـد اما هیچ کاری با مهارت‌هایی که دارد سازگاری ندارد.

به عنوان یک سـازمان غیرانتفاعی شـما قادر هسـتید با اسـتفاده از اس‌ام‌اس‌هـای گروهی، داوطلبان خـود را دسـته‌بندی کنیـد. این امر موجب می‌شود تا داوطلبان مشـتاق شما دچار یأس نشـوند. گروه‌های گوناگونی بـرای نیازها و فعالیت‌هـای گوناگـون تهیـه کنیـد. در این صورت کلیه داوطلبان شما با پیامک‌های ویژه و اختصاصی شما ارتباط برقرار می‌کنند.

با اسـتفاده از ارسـال پیامک‌های درخواستی خود به صـورت منظم از پیامک انبـوه بهره‌مند شوید.

شـما در هر حال اگر هم گروه‌های اختصاصی برای نیازهای خود ایجاد کنیـد، باید پیامتان را به کلیه مخاطبان ارسـال کنید. درحقیقت منبع اصلی شما جامعه اسـت و داوطلبان شما از آنجا به شـما ملحق خواهند شـد. بنابراین اطمینان حاصل کنید تا بـه صـورت منظم، امـا با در نظر گرفتن آسـایش مخاطبان، درخواسـت‌های خود را برای آنها از طریق اس‌اس‌ام‌اس ارسال کنید. هرگز در این کار زیاده‌روی نکنید.

اشتراک‌گذاری

از مخاطبـان و داوطلبـان خـود بخواهیـد تـا پیامک و درخواسـت همکاری شما را به دوستان خود نیز اطلاع دهند. شـما باید این موضوع را به افراد یادآوری کنید، چرا که ممکن اسـت آن را فراموش کنند یا در ذهنشان نباشد که به دیگران درباره شما بگویند. هر فردی ممکن است بهترین گزینه را برای کمک به سازمان شما بشناسد، اما تنها در صورتـی موضوع را بـا او درمیان خواهد گذاشت که شما از وی درخواست کنید.

بنیاد زینب کبری(س)

احیاوبازسازی خانواده‌فرزندان

بنیاد زینب کبری(س) در سال ۱۳۵۸ با شماره ثبت ۲۱۵۷ در تهران به ثبت رسید. ایده تشکیل بنیاد، به سال‌های قبل از پیروزی انقلاب اسلامی برمی‌گردد. فاطمه برزگر (موسس بنیادزینب)، در سال‌های پیش از انقلاب، به همراه گروهی از بانوان نیکوکار، به فعالیت‌هایی پیوست که درآمد آنها برای آموزش فرزندان مادران سرپرسـت خانواده صرف می‌شـد. وی پس از گذشت یک‌سـال و نیم و همزمان با پیروزی انقلاب، با درخواست اولین شهردار تهران پس از انقلاب (آقای توسلی)، مسئولیت واحدهای کودکان بی‌سرپرسـت سازمان تربیتی شهرداری تهران را پذیرفت. مشاهده آشفتگی موجود در این مراکز؛ نظیر عدم تقسیم‌بندی سنی کودکان تحت پوشش، مسائل بهداشتی، وجود مربیان غیرمتخصص و بعضا فاسـد و... او را بر آن داشت تا با همکاری بانوان نیکوکار هم‌راهش، ضمن انتخاب ۳۰ نفر از دختر بچه‌های ۶ تا ۹ ساله، مرکزی را برای نگهداری اصولی از این کودکان تأسیس کند. بدین ترتیب و در مرداد ماه ۱۳۵۸ بنیاد زینب کبری(س) متولد شد.

کودکان بی‌سرپرست

بخش مددکاری فعالیت خود را همزمان با تأسیس بنیاد در سال ۱۳۵۸، در حوزه کودکان بی‌سرپرست باید سرپرست آغاز کرد. این فعالیت‌ها شامل تمام امور مربوط به کودک و خانواده او اسـت که در قالب ۳ فعالیت اصلی انجام‌می‌شوند.

•نگهـداری از فرزندان سـاکن به صـورت شـبه‌خانواده: بنیاد زینب کبری(س) برای اولین‌بـار در ایران، از الگوی شـبه‌خانواده جهت نگهداری کودکان بی‌سرپرست استفاده کرد. شبه‌خانواده، کانونی است که در آن، تعداد محدودی کودک با یک مربی ثابت، ایام را در ارتباطی عاطفی و برخوردی منطقی با دنیای بیرون می‌گذرانند. آنها از بدو ورود به بنیاد، تا زمانی که به فرزندخواندگی بروند یا به استقلال کامل برسند، در شرایطی تاحدامکان نزدیک به شرایط خانواده‌نگهداری می‌شوند. به‌طور متوسط ۵۰ کودک در بنیاد زینب کبری(س)، در شبه‌خانواده به سر می‌برند.

•احیاوبازسازی خانواده فرزندان: بسیاری از کودکان بی‌سرپرست دارای خانواده هسـتند و به دلایل مختلفی مانند نداشتن جای مناسب برای زندگی، تعداد زیاد فرزندان، نداشتن پدر یا بد سرپرست بودن و... به مراکز نگهداری سـپرده می‌شـوند. بنیاد زینب کبری(س) در ابتدای امر تلاش می‌کند خانواده‌ها را بیابد و آنها را مورد مشاوره قرار دهد. در پی این اقدامات و با کمک مالی با رفع مشکلات خانوادگی، تعداد زیادی از کودکان به آغوش خانواده‌ها یا خویشان خود باز گردانده شده‌اند.

•امور فرزندخواندگی: برای آنان که در آرزوی فرزند هسـتند، بنیاد زینب کبری(س) امکان فرزندخواندگی را از راه قانونی فراهم کرده اسـت. تاکنون بیش از هزار کودک از این طریق، آرامش را به خانواده‌های مشتاق فرزندهدیه کرده‌اند.

حوزه‌فرهنگی‌واجتماعی

بخش فرهنگـی و اجتماعی بنیاد زینب کبری(س) فعالیـت خود را از تابستان ۱۳۶۸ آغاز کرد و در دو زمینه‌های زیر فعالیت می‌کند. این بخش با هدف کمک‌به‌دانش‌آموزان و دانشجویان مستعد تحت سرپرستی مادر -که در بلوار ما سرمایه‌های بزرگ این آب و خاک هسـتند- و به منظور شکوفایی استعدادها و اطمینان از راهیابی آنها به مقاطع تحصیلی عالی تأسیس شده است.

فعالیت‌های بخش فرهنگی، شامل تمام مسائل دانش‌آموز و دانشجوی تحت پوشش و خانواده‌او است که در قالب ۳ فعالیت اصلی پیگیری می‌شود.

• آمـوزش، مشـاوره از دانش‌آمـوزان و دانشـجویان مسـتعدبی‌بضاعت: طبق چارچوب تعیین شـده برای فعالیت بخش فرهنگی، دانش‌آموزان مستعد، ترجیحا باید در مقطع راهنمایی یا اوایل دبیرستان تحت پوشـش قرار گیرند، تا علاقه‌مندی و استعداد تحصیلی آنها مشخص شـده باشـد و فرصت کافی برای بهره‌مندی از آموزش‌ها و مشاوره‌های طراحی شده در بنیاد را داشته باشند، اما دانشجویان رشته‌های کاربردی و مولد هم تحت پوشش قرار خواهند گرفت. این حمایت‌ها شامل برنامه‌های کمک آموزشی، مشـاوره‌های تحصیلی و روانشناسی، آموزش مهارت‌های زندگی، اعطای لوازم‌التحریر و پرداخت کمک‌هزینه تحصیلی است.

البته هنگام بازدید از وضع خانواده‌ها، گاه به مواردی برخورد می‌شود که اگرچه فرزندان آنها در چارچوب تعیین شـده قرار نمی‌گیرند، ولی آن‌قدر نیازمند حمایت‌های مادی و معنوی هسـتند که نمی‌توان بر آنها چشم‌بست.

همچنین به مادرانی که امکان فعالیت دارند، در حد امکان آموزش داده‌شده و برای خودکفایی مورد راهنمایی قرار می‌گیرند.

•کمک به تشـکیل خانواده: یکی دیگر از فعالیت‌های بنیاد در این حوزه، اعطای جهیزیه و سیسـمونی به دختران تحت پوشش بخش فرهنگی و خواهرانشان است. بنیاد با اعطای جهیزیه و سیسـمونی، هنگام یا پس از اتمام تحصیل دختران تحت پوشـش، سعی می‌کند که موانع ازدواج آنان را رفع کند.

•رفع مسـائل ضروری با فوری خانواده‌ها: از آنجا که دانش‌آموز یا دانشجوی تحت پوشش، بدون حل مسائل موجود در خانواده، امکان رشد در حد مطلوب را نخواهد داشت، بنیاد اقدامات مختلفی ازجمله تأسیس صندوق مسکن، صندوق تأمین هزینه‌های درمان خانواده، تأمین ماهیانه گوشـت مصرفی خانواده، تأمین فصلی ارزاق خوراکی خانواده، اعطای وام تعمیرات منزل، وام خرید لوازم ضروری منزل و... را اجرایی کرده‌است.

مادران‌سرپرست‌خانواده

مجتمع بوهمن بنیاد زینب کبری(س)، در سال ۱۳۸۰ تأسیس شد و در ۳ قسمت «آموزش و کارآفرینی» و «امور حمایتی» آغاز به کار کرد.

•آموزش و کارآفرینی مادران سرپرست خانواده: بنیاد با تأسیس مرکز آموزش فنی و حرفه‌ای در بوهمن، در رشته‌های فرش‌بافی، گلیم‌بافی، کامپیوتر و خیاطی، اقدام به آموزش مادران سرپرست خانواده‌برای رساندن آنها به خودکفایی مالی می‌کند.

•حمایت مالی از مادران سرپرست خانواده: در امور حمایتی نیز، با فعالیت‌هایی همچون افتتاح حساب‌سپرده‌اندوخته‌برای کودکان، پرداخت کمک هزینه زندگی، اعطای ارزاق و گوشـت مصرفی به صورت دوره‌ای و اعطای وام کمک هزینه زندگی، سعی در کاهش آسـیب‌های (اجتماعی - روانی - جسمی) دامنگیر این قشر دارد.

کودکان مبتلابه‌نقص‌ایمنی‌اولیه

در سال ۱۳۹۰ پس از برقراری ارتباط از سوی تعدادی از پزشکان متدین و متخصص در حوزه ایمونولـوژی (گروه یاری)، با بنیاد زینب کبری(س)، تفاهمنامه‌ای برای انجام حمایت‌های مادی و معنوی از کودکان مبتلا به بیماری نقص ایمنی اولیه که تحت پوشش این پزشکان قرار داشتند، منعقد شد. بنابراین تفاهمنامه، بنیاد زینب نسبت به فراخوان و قبول کمک‌های مردمی برای این کودکان و ارجاع کودکان بیمار به این گروه اقدام می‌کند.

پاورقی هفته

با دوچرخه‌هایمان به جنگ برویم

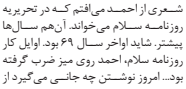

انریک پنلوسا

شهردار اسلوی شهر بگوتا

یک کمیتـه از بچه‌های ۱۲ سـاله در ۲۰ دقیقه می‌فهمند که پربازده‌تریـن راه برای اسـتفاده از فضای راه کمیاب ایجاد خطوط مخصوص اتوبوس اسـت. درواقع، اتوبوس‌ها جذاب نیستند، اما تنها راه ممکن بـرای آوردن حمل‌ونقل جمعی به تمام نقاط شـهرهای درحال توسعه هستند. اتوبوس‌ها ظرفیت‌های عالی هم دارند. مثلا، این سـامانه در گواتگزو تعداد بیشـتری مسـافر را نسبت به تمام خطوط مترو در چین، در جهت ما حمل می‌کند به جز یک خط در پکن، با بخشی از آن هزینه.

ما نه‌تنها جهت فضـا بـرای اتوبوس‌ها جنگیدیم، بلکـه جهت فضا بـرای مردم هم جنگیدیـم و آن حتی سـخت‌تر هم بود. شـهرها محل سـکونت انسان‌هاسـت و ما انسـان‌های پیاده‌رو هسـتیم. همان‌طور که ماهی باید شنا کند و پرنده باید پرواز کند یا گوزن باید بدود، ما باید راه برویم. واقعا تضاد عظیمی بین پیاده‌ها و خودروها هست وقتی ما در مورد شهرهای کشـورهای درحال توسعه صحبت می‌کنیم. اینجا شـما تصویری می‌بینید که یک دموکراسی ناکارآمد را نشان می‌دهد. آنچه این نشان می‌دهد این است کسانی که راه می‌روند شهروندان درجه ۳ هسـتند درحالی که کسـانی که با خودرو می‌روند شـهروندان درجه یک هسـتند. در مورد زیرسـاخت‌های حمل‌ونقل آن‌چه بین شهرهای پیشـرفته و عقب‌مانده واقعا تفاوت ایجاد می‌کند بزرگراه‌ها یا مترو نیست بلکه کیفیت پیاده‌رهاست. اینجا یـک روگذر سـاخته‌اند، احتمـالا بی‌فایده اسـت و فراموش کرده‌اند که یک پیاده‌رو بسـازند. این مشـکل در تمام دنیا دیده می‌شود حتی بچه مدسه‌ای‌ها هم مهم‌تر از خودروها نیستند. در شهر من، بوگوتا ما مبارزه سختی داشتیم تا فضایی را از خودروها بگیریم که برای دهه‌ها در پیاده‌روها پارک می‌کردنـد، تا برای مردم فضا ایجـاد کنیم که باید کرامت انسان‌ها را منعکس کند و جهت ایجاد فضا برای راه دوچرخه‌روی محافظت شـده. اول این که من قبل از آن موهایم سـیاه بود (خنده حضارن) و من هنگام انجام این کار تقریبا مـورد مواخذه قرار گرفتم. مبارزه بسیار سـختی است اما ممکن بود و درجه ۳ هسـتند درحالی که کسـانی که با خودرو می‌روند شـهروندان درجه یک هسـتند. در مورد زیرسـاخت‌های حمل‌ونقل آن‌چه بین شهرهای پیشـرفته و عقب‌مانده واقعا تفاوت ایجاد می‌کند بزرگراه‌ها یا مترو نیست بلکه کیفیت پیاده‌رهاست. اینجا یـک روگذر سـاخته‌اند، احتمـالا بی‌فایده اسـت و فراموش کرده‌اند که یک پیاده‌رو بسـازند. این مشـکل در تمام دنیا دیده می‌شود حتی بچه مدسه‌ای‌ها هم مهم‌تر از خودروها نیستند. در شهر من، بوگوتا ما مبارزه سختی داشتیم تا فضایی را از خودروها بگیریم که برای دهه‌ها در پیاده‌روها پارک می‌کردنـد، تا برای مردم فضا ایجـاد کنیم که باید کرامت انسان‌ها را منعکس کند و جهت ایجاد فضا می‌کنیم. اینجا شـما تصویری می‌بینید که یک دموکراسی ناکارآمد را نشان می‌دهد. آنچه این نشان می‌دهد این است کسانی که راه می‌روند شهروندان درجه ۳ هسـتند درحالی که کسـانی که با خودرو می‌روند شـهروندان درجه یک هسـتند. در مورد زیرسـاخت‌های حمل‌ونقل آن‌چه بین شهرهای پیشـرفته و عقب‌مانده واقعا تفاوت ایجاد می‌کند بزرگراه‌ها یا مترو نیست بلکه کیفیت پیاده‌رهاست. اینجا یـک روگذر سـاخته‌اند، احتمـالا بی‌فایده اسـت و فراموش کرده‌اند که یک پیاده‌رو بسـازند. این مشـکل در تمام دنیا دیده می‌شود حتی بچه مدسه‌ای‌ها هم مهم‌تر از خودروها نیستند. در شهر من، بوگوتا ما مبارزه سختی داشتیم تا فضایی را از خودروها بگیریم که برای دهه‌ها در پیاده‌روها پارک می‌کردنـد، تا برای مردم فضا ایجـاد کنیم که باید کرامت انسان‌ها را منعکس کند و جهت ایجاد فضا می‌کنیم. ما همچنین ۱۵سال پیش، پیش از آن که راه‌های دوچرخه‌رو در نیویورک باشـد یا در پاریس یا لندن مبارزه خیلی سختی هم بود، بیش از ۳۵۰ کیلومتر راه دوچرخه محافظت شده ساختیم. من فکر نمی‌کنم راه‌های دوچرخه محافظت شده یک ویژگی بامزه معماری باشند. آنها یک حق هسـتند، درسـت همان‌طور کـه پیاده‌روها حق هسـتند، مگر آن که ما باور داشـته باشیم که تنها کسانی که دسترسی به یک وسیله حمل‌ونقل موتوری دارند حق رفت و آمد با امنیت را بدون خطر کشته‌شدن دارند و همانند راه‌های اتوبـوس، راه‌های دوچرخه محافظت شده هم یک نشانه قدرتمند دموکراسی هستند، چون آنها نشـان می‌دهند که شهروندی با یک دوچرخه ۳۰ دلاری همانقدر مهم اسـت که شهروندی با یک خودروی ۳۰۰ هزار دلاری.

ما در لحظه خاصی در تاریخ زندگی می‌کنیم در ۵۰سـال آینده، بیش از نیمی از این شهرها که در سال ۲۰۶۰ وجود خواهند داشت، ساخته خواهند شد در خیلی از شهرهای کشور درحال توسعه، بیشتر از ۸۰ و ۹۰ درصد از شهر که در ۲۰۶۰ وجود خواهند داشـت در ۴ یا ۵ دهه آینده سـاخته خواهند شد.

آموزش

برای سازمان‌های اجتماعی، گروه‌های داوطلبانه و مردم‌نهاد

۱۰ نکته برای انگیزش اعضای گروه

از مهم‌ترین سـرمایه‌های گروه‌های کاری، منابع انسـانی و اعضای گروه هسـتند. به‌ویژه در سازمان‌های مردم نهاد، مدیریت و انگیزش منابع انسـانی تأثیر مسـتقیمی بر موفقیت نهایی سـازمان دارد. تـا به امـروز مدل‌های گوناگونی بـرای انگیزش اعضای گـروه ارایه شده است، اما اغلب آنها بیشتر به بیان چرایی و چگونگـی انگیـزش در افـراد می‌پردازند تـا ارایه راهکارهـای عملیاتی سـاده. در این مقاله که سـایت پرتـو تهیه کرده، براسـاس ترکیب مدل‌های موجـود برای انگیزش اعضا ۱۰ نکتـه سـاده و کاربردی بـرای انگیزش اعضا یـک تیم کاری به‌ویژه در سـازمان‌های مردم‌نهاد پیشنهاد شده است.

نکته یک: توجه به حداقل نیازهای اعضا

توجـه بـه حداقل انتظـارات اعضـای یک سازمان بسیار مهم اسـت. معمولا بی‌توجهی به این نیازهای پایه، عامل اصلی سـرخوردگی و بی‌انگیزگی اعضای گروه است. بنابراین، باید این حداقل انتظارات را در تعامل با اعضای گروه شناسایی کرده و تا حد امکان برطرفشان کرد. در محیط کار، انگیزه همکاری افراد نسـبت به سـن، تجربه، تحصیلات و برنامه شغلی آینده آنان متفـاوت اسـت؛ به‌طور مثال برای یک دانشجو انگیزه همکاری در محیط کاری، کسب تجربه و یادگیری اسـت، اما بـرای یک مدیر با سـابقه، انگیزه کاری می‌توانـد جنبه مالی داشته باشد. در یک سـازمان موفق، نیازهای افـراد در زمـان اسـتخدام آنان به درسـتی شناسـایی شـده و برنامه‌ریزی صحیحی برای پاسـخ به آن انجام می‌شود. شـناخت عوامل انگیزشی ممکن اسـت منجر به تصمیم‌گیری در رابطه با اسـتخدام یا عدم‌اسـتخدام فرد در یک گروه کاری شود. چرا که ممکن اسـت سازمان به دلیل نوع اهداف، فعالیت‌ها یا محدودیت منابع، امکان پاسخگویی به هر نوع عامل انگیزشی را نداشته‌باشد.

مهم آن اسـت که نسـبت به نیازهای افراد واقع‌بین باشـیم و آنها را به درسـتی شناسایی کنیم و برنامه عملی برای پاسـخگویی به این نیازها داشته باشیم. تجربه نشان داده است که «فرهنگ احترام»، «رضایت شـغلی» و «امکان رشد و شـکوفایی» از عوامل مهم انگیزشی در سازمان‌هسـتند که می‌توانند تأثیر بسیار بالایی بر افزایش سـطح عملکرد در کلیـه همکاران سازمان اعم از نیروی داوطلب داشته باشند.

نکته ۲: تعریف اهداف و انتظارات روشن

وقتی برای افراد هدف روشن و دقیقی تعریف نشود، درک درسـتی از آنچه باید انجام دهند ایجاد نمی‌شـود. این موضوع، همراه شدن آنها بـا فعالیت‌های تیم را دشـوار کـرده و موجب احساس سرخوردگی در آنها می‌شود.

تجربه نشـان داده اسـت کـه در گروه‌های داوطلبانه و سـازمان‌های اجتماعی به‌ویژه در دوره کارآفرینی، به دلیل تجربه سازمانی اندک، معمولا فعالیت‌ها مبهم اسـت. ایـن ابهام باید توسط سرپرست، مدیر یا کارمندان ارشد پروژه حل شـود و برای افراد اهدافی روشـن تعریف شود.

* واژه مدامز را به خاطر بسـپارید! اهدافی که برای اعضا مشخص می‌شود باید مشخص، قابل دسترسـی، قابل اندازه‌گیری، مرتبط و با زمان مناسب باشد. تنها زمانی اهداف کاری را تغییر دهید که کاملا منطقی و در راستای استراتژی سازمان اسـت. در زمان تغییر اهداف شغلی، با اعضا جلسـه‌ای برگزار و سعی کنید که تا جای ممکن نظرات آنان را نیز دخیل کنید.

اعضا علاقه‌مند هستند که ارتباط فعالیتشان با رسالت و هدف اصلی سازمان را متوجه شوند. مثلا ممکن اسـت هدف یک سازمان کمک به کیفیت زندگی کودکان سرطانی باشد و از یکی از اعضای تیم انتظار داشـته باشیم مقالاتی را خوانده، ترجمه و خلاصه کند. ضروری اسـت برای این فـرد توضیح دهیم که ایـن کار چه ارتباطی با رسـالت گروه دارد. مثلا بگوییم که براساس این مقالات، آموزش‌هایی برای خانواده کودکان سرطانی آماده خواهد شد که درنهایت به بالابـردن کیفیت زندگی کـودکان خواهد انجامید.

نکته ۳: اختیار عمل اعضا

اگرچـه تعریف هدف بـرای اعضـای گروه باید دقیق و روشـن باشـد، در انتخـاب نحوه انجام اهداف تا حد ممکـن باید به اعضا اختیار عمل داد. به این شـکل، راهکارهـای خلاقانه بیشـتری در سـازمان ایجاد خواهد شد و اعضا احساس مسـئولیت بیشـتری خواهند کرد. البته برای همه کارهای سازمان اعطای اختیار عمل ممکن نیسـت. مثلا همان گـروه فعال بـرای کودکان سـرطانی، مجبور اسـت برای فعالیت‌های خاصی که در محیط بیمارسـتان انجام می‌دهد، مقررات مشخصی را رعایت کند.

نکته ۴:

تدارک مقدمات و ورودی‌های لازم

بدون وجود مقدمات و ورودی‌های لازم نظیر اسباب و وسـایل، آموزش لوله و دسترسی به اطلاعات، انجام فعالیت‌ها دشوار و خسته‌کننده خواهد شد. این موضوع ممکن است به استفاده غیرمؤثـر از منابع سـازمان، طولانی شـدن فعالیت‌ها و افت کیفیت منجر شود.